

G

galvanic skin response (GSR)

پاسخ الکتریکی پوست انسان که توسط گالوانومتر اندازه گیری می‌شود. در یک روش جریان ضعیفی به نقطه‌ای از پوست وارد می‌شود و از نقطه دیگر دریافت می‌شود تا تغییرات مقاومت الکتریکی پوست در حالت عادی یا هیجانی سنجیده شود. در روش دیگر مقدار جریانهای الکتریکی ضعیفی که توسط خود بدن تولید می‌شود اندازه گرفته می‌شود.

General Problem Solver (GPS)

نام یک پروژه هوش مصنوعی که در سال ۱۹۵۷ توسط نیوول (Newell)، شاو (Shaw) و سایمون (Simon) ارائه شد و قادر بود مسایل مختلفی در منطق، ریاضیات، و شطرنج را با استفاده از روش تحلیل وسیله - هدف حل کند. اگر چه بعدها این طرح رونق نیافت، لیکن توانست الگویی برای تفکر آدمی ارائه دهد.

generalization

generate and test strategy

بدون مسیر مشخصی به دنبال حل تصادفی مسئله بودن. (نک: British Museum algorithm)

generation effect

اثر تولید یک عمل یا گفتار در به یاد ماندن آن. اعمال و سخنانی که از خود شخص سرزده است بسیار بهتر از آنچه دیگران انجام داده‌اند به خاطر آورده می‌شود. با تکیه بر همین واقعیت آشنا است که استدلال ("اگر من کرده بودم یادم بود"، چون یادم نیست پس نکرده‌ام) بسیار رایج است. معمولاً اگر افراد از این مطمئن نباشند که خاطره توسط خودشان تولید شده، عمل یا سخن را به طور پیش فرض به شخص دیگر نسبت می‌دهند.

generation-recognition hypothesis

فرضیه‌ای در بیان چگونگی یادآوری نشاندار (نک: cued recall) که می‌گوید هر نوع رابطه بین نشانه و اطلاعات اولیه کافی است شخص را در یادآوری آن اطلاعات پس از دریافت نشانه کمک کند، در مقابل نظریه‌ای که می‌گوید لازم است نشانه مستقیماً با اطلاعات اولیه تطبیق کند (نک: encoding specificity). بنا بر این نظریه به کمک نشانه ابتدا مجموعه‌ای از اطلاعات مربوط به نشانه در ذهن فرد تولید می‌شود آن‌گاه فرد از میان این مجموعه مورد به‌خصوصی را که مورد سؤال است بازشناسی می‌کند.

generative grammar

مجموعه‌ای انتزاعی از قواعد صوری زبان که بر مبنای آن می‌توان همه جمله‌های صحیح دستوری یک زبان را تولید کرد. با داشتن چنین دستور زبان ذهنی است که فرد می‌تواند انواع بیشمار جملات درست را بدون آن که آنها را شنیده باشد تولید کند. نوع مشهوری از دستور زایشی، دستور گشتاری (نک: transformational grammar) نام دارد.

gestalt

gestalt principles of organization

gestalt psychology

مکتبی در روان‌شناسی که دستگاه روانی و شناختی انسان را به عنوان یک کل سازمان یافته بررسی می‌کند نه به صورت مجموع ساختارهای مجزا. این رویکرد، از پیشفراوان روان‌شناسی شناختی امروز خصوصاً در پژوهش در زمینه ادراک است.

gestures

اشارات، اطوار
حرکات بیانگر، حرکات اعضای مختلف بدن برای رساندن یک معنا یا مقصود.
(نیز نک: nonverbal communication)

پاسخ الکتریکی پوست

مسئله گشای عمومی

تعمیم، تعمیم‌دادن

راهبرد تولید و آزمون

اثر تولید

فرضیه تولید -

بازشناسی

دستور زایشی

گشتالت، هیأت، کل

اصول گشتالتی

سازمان

(نک: principles of organization)

روان‌شناسی گشتالت

اشارات، اطوار

gifted	سرآمد، تیزهوش
	فردی که دارای استعداد خاص در يك یا چند زمینه شناختی است. در معنای خاص به افرادی اطلاق می‌شود که نمره هوش آنها بالاتر از مردم عادی است.
goal-driven processing	پردازش هدفمند
	عنوان دیگری برای پردازش نزولی (نک: bottom-up processing).
goal script	نسخه ذهنی يك هدف یا موقعیت مورد نظر
goal state	حالت یا مرحله هدف
	در بازنمایی يك مسئله در ذهن فرد مرحله هدف رسیدن به حل مسئله است. (نیز نک: initial state)
GOFAI (Good Old Fashioned Artificial Intelligenec)	هوش مصنوعی موعود
	هوش مصنوعی قدیمی خوب. عنوانی که هاگلند (Haugeland) برای ادعای خود انتخاب کرده است. بر طبق این ادعا، هوش برخاسته از توانایی استدلال آگاهانه یا ناآگاهانه است و توانایی استدلال هم از دستکاری نمادهای درونی مشتق می‌شود.
government-binding theory	نظریه فرمانش الزام آور
	شکل کاملتری از دستور گشتاری که فقط يك قاعده گشتاری را به کار می‌برد.
graceful degradation	افول آبرومندانه
	عقب نشینی آبرومندانه، توانایی يك سامانه پیوندگرا در اینکه اگر قسمتی از اجزای آن آسیب دید باز هم عملیات خود را ادامه دهد، اگر چه با دقت کمتر.
grammar	دستور، دستور زبان
	گرامر، در معنای خاص آن غالباً به قواعد نحوی گفته می‌شود.
grandmother cell	سلول مادر بزرگ
	برخی عصب شناسان بر این نظرنند که در مسیری که اطلاعات از دستگاه حسی تا مغز برای پردازش طی می‌کند، آخرین مقصد سلولهایی از مغز است که منحصرآ مربوط به مدرک خاصی است. این گونه سلولها را سلول مادر بزرگ می‌نامند. دلیل وضع چنین اصطلاحی اشاره به نظریاتی است که می‌گویند هر سلول یا واحد مجزای عصبی به يك خاطره یا واحد اطلاعاتی معینی اختصاص می‌یابد. پیامد این فرض در شکل افراطی‌اش این است که برای تصور "مادر بزرگ" يك سلول در مغز وجود دارد. ممکن است روزی آن سلول آسیب ببیند، ولی هنوز سلول مربوط به تصور "همسر پدر بزرگ" یا "والد مؤنث والد" سالم باقی مانده باشد.
graph	نگاره، گراف
	در معنای خاص آن به مجموعه‌ای اطلاق می‌شود که شامل عناصر (نودها) است. یکی از کاربردهای چنین نگاره‌ای معرفتی شبکه معنایی در حافظه دراز مدت است. عناصر این مجموعه همان مفاهیم هستند و پیوند آنها نیز با خطوط پیکانی نمایش داده می‌شود.
grapheme	نویسه، نگاشته
	معادل نوشتاری واج (نک: phoneme). مثلاً "برای واج "س" در زبان فارسی دو نگاشته معادل "س" و "ص" وجود دارد. نیز تلفظ دو کلمه "باد" و "خواب" نشان می‌دهد که برای واج "ا" (الف مد) بیش از يك نگاشته وجود دارد.
graphical	نگاره‌ای، گرافیکی
gray-level array	طرح سیاه و سفید
	تصویر شبکه‌ای که به صورت الگویی از نقطه‌های نورانی با شدتهای گوناگون است. این تصویر داده‌های خام را برای بازشناسی الگو فراهم می‌سازد. در مسیر بینایی با پردازش این تصویر طرح دیگری به نام طرح خام اولیه (نک: primal sketch) حاصل می‌شود.